

قانون وقانون گذاری در آراء اندیشمندان شیعه

به اهتمام

دکتر محمد جواد جاوید

با آثاری به قلم (بترتیب حروف الفبا):

ملای بیات - محسن داووری - محمد ملای راجی - یمین صداقت زلوه

ملای طمان نطفین - امین رضا علی نژاد و اورانی - محسن نامی

www.kotab.ir



قانون و قانون گذاری در آراء اندیشمندان شیعه

به اهتمام: دکتر محمد جواد جاوید

ناشر: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

طرح جلد: گلناز حسینی

ویرایش و صفحه آرایی: مهدی مهاجری

شمارگان: ۱۵۰۰

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۴۹-۴

ISBN: 978-600-5574-49-4

حق چاپ و نشر و نسخه برداری دیجیتال محفوظ است.

تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ص.ب. ۱۵۹-۱۴۶۵۵

www.ketab.ir

سرشناسه	: جاوید، محمدجواد. ۱۳۴۸ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: قانون و قانون گذاری در آراء اندیشمندان شیعه / به اهتمام محمدجواد جاوید
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۴۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۱۷ - ۳۱۹.
موضوع	: قانون گذاری (فقه)
موضوع	: اسلام و دولت
شماره افزوده	: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ج ۱/۲/۳ BPTI
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۷۵۰۲

فهرست اجمالی

- سخن ناشر..... ۱۷
- مقدمه..... ۱۹
- فصل ۱. قانون و قانون‌گذاری در اندیشه‌ی امام خمینی (رحمه الله علیه)..... ۲۷
هادی طحان نظیف. محسن داورى
- فصل ۲. قانون و قانون‌گذاری در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی..... ۶۷
سید محمد مهدی غمامی
- فصل ۳. قانون و قانون‌گذاری در اندیشه دکتر شهید بهشتی..... ۹۵
هادی بیات
- فصل ۴. قانون و قانون‌گذاری در اندیشه‌ی آیت‌الله جوادی آملی..... ۱۵۳
میثم صداقت‌زاده
- فصل ۵. قانون و قانون‌گذاری در اندیشه شهید صدر (علیه السلام)..... ۲۳۱
محسن نامی
- فصل ۶. قانون و قانون‌گذاری در اندیشه آیت الله محمد تقی مصباح یزدی..... ۲۴۹
سید محمد هادی راجی
- فصل ۷. نگرشی فقهی و مقدماتی به پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۳۰۳
شهید محمد باقر صدر/ مترجم امین رضا عابدی نژاد داورانی
- چکیده فصول..... ۳۱۹

فهرست تفصیلی

۱۷.....	سخن ناشر
۱۹.....	مقدمه
۲۷.....	فصل اول: قانون و قانون‌گذاری در اندیشه‌ی امام خمینی رحمه الله علیه
۲۷.....	مقدمه
۲۹.....	۱. زندگی نامه
۳۱.....	۲. آثار
۳۲.....	۳. پیش فرض‌ها
۳۳.....	۳-۱. توحید قانون‌گذاری در خدا
۳۳.....	۳-۱-۱. دلایل عقلی
۳۵.....	۳-۱-۲. دلایل نقلی
۳۶.....	۳-۱-۳. خداوند و قانون‌گذاری
۳۷.....	۳-۱-۴. انتظار بشر از دین
۳۹.....	۳-۲. نفوذ حکم غیر خدا
۳۹.....	۳-۲-۱. ملاک نفوذ حکم غیر خدا

- الف) نصب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۳۹
- ب) نصب ائمه علیهم السلام ۴۰
- ج) نصب فقهاء ۴۰
- ۲-۳. تفویض یا عدم تفویض قانون‌گذاری ۴۲
- الف) معنای تفویض ۴۲
- ب) پیامبر و ائمه و فقهاء مجری احکام الهی ۴۳
- ۳-۲-۳. نتیجه ۴۴
۴. اصول و مبانی قانون‌گذاری در اسلام ۴۴
- ۴-۱. هدف قانون‌گذاری در اسلام ۴۵
- ۴-۱-۱. سعادت زندگی مادی و معنوی انسان ۴۵
- ۴-۱-۲. تربیت و تهذیب انسان ۴۵
- ۴-۱-۳. عدالت ۴۷
- ۴-۱-۴. شمول قانون‌گذاری ۴۷
- ۴-۲. ابدی و غیر قابل نسخ بودن احکام الهی ۴۸
- ۴-۲-۱. علت غیر قابل نسخ بودن احکام الهی ۴۸
- ۴-۲-۲. علت وجود ناسخ و منسوخ در قرآن ۴۹
- ۴-۲-۳. نقش زمان و مکان در احکام الهی ۴۹
- ۴-۲-۴. نقش مصلحت در احکام الهی و نظام اسلامی ۵۰
- ۴-۲-۵. محدوده قانون‌گذاری توسط حکومت اسلامی ۵۱
- ۴-۲-۶. نتیجه ۵۲
۵. روش قانون‌گذاری در اسلام ۵۳
- ۵-۱. اجتهاد ۵۳
- ۵-۱-۱. معنای اجتهاد و شرایط آن ۵۳
- ۵-۱-۲. امام و اجتهاد و فقه سنتی ۵۵
- الف) لازم بودن اجتهاد و فقه سنتی ۵۵

۵۶ (ب) کافی نبودن اجتهاد مصطلح
۵۸ ۵-۲. قانون گذاری در جمهوری اسلامی
۵۹ ۵-۲-۱. نقش مجلس شورای اسلامی در قانون گذاری
۵۹ (الف) تشخیص موضوع
۶۰ (ب) وفق دادن مصالح کشور با قانون های آسمانی
۶۰ (ج) برنامه ریزی
۶۱ ۵-۲-۲. نقش شورای نگهبان در قانون گذاری
۶۲ ۵-۲-۳. قانون مصوب مجلس و شورای نگهبان
۶۳ ۵-۲-۴. مجمع تشخیص مصلحت نظام
۶۳ ۵-۲-۵. نتیجه
۶۴ نتیجه گیری
۶۶ منابع
۶۷ فصل دوم: قانون و قانون گذاری در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری مدظله العالی
۶۷ مقدمه
۶۹ ۱. زندگی نامه
۶۹ ۱-۱. بخش اول: تولد و تحصیلات
۷۲ ۱-۲. بخش دوم: آشنایی با امام خمینی (ره) و فعالیت های سیاسی
۷۵ ۱-۳. بخش سوم: آثار علمی
۷۶ ۲. جایگاه قانون و مجلس از نگاه مقام معظم رهبری
۷۶ ۲-۱. قانون
۷۹ ۲-۲. مجلس
۸۱ ۳. اصول قانون گذاری از نگاه مقام معظم رهبری
۸۱ ۳-۱. اسلام محوری
۸۳ ۳-۲. دشمن ستیزی

۸۴ ۳-۳. ولایت مداری
۸۵ ۳-۴. قانون اساسی؛ معیار قوانین
۸۶ ۳-۵. مردم سالاری دینی
۸۸ ۳-۶. بصیرت و آگاهی
۸۸ ۳-۷. صیانت از نظام جمهوری اسلامی
۸۹ ۳-۸. چشم انداز بیست ساله و اصل ۴۴
۹۰ ۳-۹. عدالت محوری و مبارزه با فساد
۹۲ نتیجه‌گیری
۹۴ منابع
۹۵ فصل سوم: قانون و قانون‌گذاری در اندیشه دکتر شهید بهشتی
۹۵ مقدمه
۹۶ ۱. زندگی‌نامه
۹۷ ۲. جهان بینی «قانون‌گذاری در اسلام»
۹۷ ۲-۱. انسان، اسلام و قانون‌گذاری
۹۷ ۲-۱-۱. ویژگی‌های انسان
۹۹ ۲-۱-۲. رشد اختیاری؛ اساس نظام قانون‌گذاری اسلام
۱۰۲ ۲-۲. انسان و جامعه؛ موضوع قانون‌گذاری
۱۰۲ ۲-۲-۱. اصالت فرد
۱۰۳ ۲-۲-۲. اصالت جامعه
۱۰۳ ۲-۲-۳. اصالت آمیخته فرد و جامعه
۱۰۴ ۲-۲-۴. اهمیت جامعه در قانون‌گذاری
۱۰۵ ۲-۳. جامعه مکتبی، قانون مکتبی
۱۰۶ ۲-۳-۱. انواع جامعه و انحاء قانون‌گذاری
۱۰۸ ۲-۴. قسط و عدل؛ محور همه قانون‌گذاری‌ها در اسلام

- ۲-۵. نظام اسلامی؛ جلوه عملی قانون‌گذاری ۱۰۹
- ۲-۵-۱. نگاهی دیگر به جهان بینی قانون‌گذاری در اسلام ۱۱۰
۳. مبانی و اصول قانون‌گذاری در اسلام ۱۱۲
- ۳-۱. مبانی قانون‌گذاری در اسلام ۱۱۲
- ۳-۱-۱. محوریت مکتب در قانون‌گذاری ۱۱۲
- ۳-۱-۲. حفظ اصالت مکتب در قانون‌گذاری ۱۱۵
- ۳-۱-۳. عقلانیت رکن اساسی قانون‌گذاری اسلامی ۱۱۷
- ۳-۱-۴. ارتباط مکتب با عقل و علم؛ تبدیل اصول به قانون ۱۲۰
- ۳-۲. اصول و ضوابط قانون‌گذاری در اسلام ۱۲۲
- ۳-۲-۱. توجه به رشد اختیاری انسان در قانون‌گذاری ۱۲۳
- ۳-۲-۲. حاکمیت قسط و عدل بر تمام قوانین ۱۲۵
- ۳-۲-۳. توجه به رشد هماهنگ مادی و معنوی ۱۲۷
- ۳-۲-۴. واقع بینی نه کمال‌نگری در نگاه به انسان جهت وضع قانون ۱۳۰
- ۳-۲-۵. نگاه نظام‌مند و کل‌نگر در قانون‌گذاری ۱۳۲
- الف) اهمیت نظم ۱۳۵
- ب) حفظ برادری و اخوت اسلامی ۱۳۶
- ۳-۲-۶. بررسی همه جانبه ۱۳۷
- ۳-۲-۷. لزوم آینده‌نگری در قانون‌گذاری اسلامی ۱۳۹
- ۳-۲-۸. وجود آهنگ تربیت در قانون‌گذاری ۱۴۱
- ۳-۲-۹. توجه به پیامدهای قانون ۱۴۱
- ۳-۲-۱۰. پذیرش مقتضیات قانون‌گذاری ۱۴۳
- ۳-۲-۱۱. لزوم مشورت ۱۴۳
۴. قانون‌گذار ۱۴۵
- ۴-۱. عادی بودن اختلاف نظرها ۱۴۵
- ۴-۲. فصل الخطاب بودن نظر حکومت ۱۴۷

۱۴۷.....	۳-۴. شکل کامل قانون‌گذاری فقط از طریق حکومت
۱۴۸.....	نتیجه‌گیری
۱۵۲.....	منابع
۱۵۳.....	فصل چهارم: قانون و قانون‌گذاری در اندیشه‌ی آیت‌الله جوادی آملی
۱۵۳.....	مقدمه
۱۵۵.....	۱. زندگی‌نامه
۱۵۷.....	۲. فعالیت‌های اجتماعی
۱۵۸.....	۳. کلیات و پیش‌فرض‌ها
۱۵۹.....	۳-۱. واژه‌نامه
۱۵۹.....	۳-۱-۱. حق
۱۶۰.....	الف) معنی اصطلاحی حق
۱۶۰.....	۳-۱-۲. قانون
۱۶۰.....	الف) تعریف قانون
۱۶۱.....	ب) نسبت حق و قانون
۱۶۲.....	۳-۱-۳. دین
۱۶۲.....	الف) تعریف دین
۱۶۳.....	ب) دین و حق انسان
۱۶۳.....	۳-۲. نیاز به قانون
۱۶۳.....	۳-۲-۱. انسان در اجتماع
۱۶۵.....	۳-۲-۲. انسان بدون اجتماع
۱۶۵.....	۳-۲-۳. محدود بودن آزادی
۱۶۶.....	۳-۳. قانون‌گذاری بشری
۱۶۶.....	۳-۳-۱. منشأ حق از دیدگاه متفکران غربی
۱۶۹.....	۳-۳-۲. نقد قانون‌گذاری بشری

فهرست تفصیلی □ ۱۳

۱۷۱ آثار قانون گذاری بشری ۳-۳-۳
۱۷۲ قانون گذاری الهی ۳-۴
۱۷۲ مقدمه ۳-۴-۱
۱۷۳ ادله اثبات قانون گذاری الهی ۳-۴-۲
۱۸۰ روش قانون گذاری ۴
۱۸۱ ساختار قانون گذاری ۴-۱
۱۸۱ جایگاه علما ۴-۱-۱
۱۸۵ جایگاه مردم ۴-۱-۲
۱۹۰ نقش مردم در تعیین حاکم الف)
۱۹۱ تحلیل «جمهوری اسلامی» ب)
۱۹۳ نقش بی دینان در حکومت اسلامی ج)
۱۹۴ عدم پذیرش حکومت اسلامی د)
۱۹۴ منابع قانون گذاری در اسلام ۴-۲
۱۹۵ عقل و نقل ۴-۲-۱
۱۹۷ حجیت عقل الف)
۲۰۰ بناء عقلا ۴-۲-۲
۲۰۱ ظن ۴-۲-۳
۲۰۲ عرف ۴-۲-۴
۲۰۳ قانون گذاری اسلامی ۴-۳
۲۰۴ قوانین تشریحی ۴-۳-۱
۲۰۴ مقدمه الف)
۲۰۷ نحوه استنباط ب)
۲۱۳ مقررات اجرایی ۴-۳-۲
۲۱۴ محدوده مقررات اجرایی الف)
۲۱۷ روش وضع مقررات اجرایی ب)

۲۲۲.....	ج) تزاخم و مصلحت.....
۲۲۷.....	نتیجه‌گیری.....
۲۲۹.....	منابع.....
۲۳۱.....	فصل پنجم: قانون و قانون‌گذاری در اندیشه شهید صدر.....
۲۳۱.....	مقدمه.....
۲۳۳.....	۱. زندگی‌نامه.....
۲۳۵.....	۲. قانون در اندیشه شهید صدر.....
۲۳۵.....	۱-۲. قانون و انواع آن.....
۲۳۶.....	۲-۲. مبنای مشروعیت قانون.....
۲۳۸.....	۲-۳. سیستم قانون‌گذاری در حکومت اسلامی.....
۲۴۱.....	۳. ارزیابی و بازتاب اندیشه.....
۲۴۱.....	۱-۳. ارزیابی اندیشه‌ی شهید صدر.....
۲۴۴.....	۲-۳. بازتاب اندیشه‌ی شهید صدر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۲۴۵.....	نتیجه‌گیری.....
۲۴۷.....	منابع.....
۲۴۹.....	فصل ششم: قانون و قانون‌گذاری در اندیشه آیت الله محمد تقی مصباح یزدی.....
۲۴۹.....	مقدمه.....
۲۵۱.....	۱. زندگی‌نامه.....
۲۵۴.....	۲. دیدگاه‌ها.....
۲۵۴.....	۱-۲. پیش فرض‌ها.....
۲۵۵.....	۱-۱-۲. ضرورت وجود قانون و رابطه آن با آزادی.....
۲۵۷.....	۲-۱-۲. استناد قانون به خداوند متعال.....
۲۵۸.....	الف) ربوبیت و ولایت تشریحی الهی.....

۲۵۹.....	ب) ابعاد گوناگون انسان.....
۲۵۹.....	ج) منافع قانون گذار.....
۲۶۰.....	د) آمرانه بودن قانون.....
۲۶۰.....	و) علم و قدرت مطلق الهی.....
۲۶۱.....	ه) ناتوانی انسان در تدوین قانون.....
۲۶۱.....	ی) آیات مختلف قرآن.....
۲۶۴.....	۲-۲. قلمرو دین.....
۲۶۶.....	۳. اصول و مبانی قانون گذاری.....
۲۶۷.....	۳-۱. مفهوم مبانی.....
۲۶۸.....	۳-۲. مبانی قانون گذار اسلامی.....
۲۷۸.....	۴. روش قانون گذاری در اسلام.....
۲۷۹.....	۴-۱. قانون گذار اسلامی.....
۲۸۰.....	۴-۲. انواع قوانین اسلامی.....
۲۸۳.....	۴-۳. روش قانون گذاری اسلامی در جامعه امروز.....
۲۸۳.....	۴-۳-۱. راه های کشف اراده الهی.....
۲۸۵.....	۴-۳-۲. تغییر در احکام.....
۲۸۸.....	۴-۳-۳. قانون گذاری و مجالس مقننه.....
۲۸۸.....	الف) ضرورت وجود دستگاه قانون گذاری واحد.....
۲۹۰.....	ب) شورا.....
۲۹۱.....	ج) مجالس مقننه امروز.....
۲۹۳.....	د) طرح حکومت اسلامی.....
۲۹۹.....	و) آراء اکثریت.....
۲۹۹.....	نتیجه گیری.....
۳۰۱.....	منابع.....

فصل هفتم: نگرشی فقهی و مقدماتی به پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۳۰۳	
مقدمه ۳۰۴	
۱. اندیشه‌های بنیادین در پیش‌نویس قانون اساسی ۳۰۸	
۲. اهداف جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور ۳۱۳	
۳. اهداف جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ۳۱۳	
۴. مقایسه بین قوانین اساسی ۳۱۵	
چکیده فصول ۳۱۹	

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا

عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن سوره مبارکه النمل آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

مقوله قانونگذاری و تعیین مرجع این حق مهم از موضوعات بحث برانگیزی است که در پی حاکمیت نگاه ناشی از جریان روشنفکری در غرب و همچنین حاکمیت بینش سکولار و انسان‌مدار، به سمت و سوی تعادل یافته که آن را صرفاً برای انسان مجاز می‌داند. این در حالی است که ایده اصیل توحیدی - مبنی بر اختصاص این حق به خدای متعال - از بسیاری جهات منطقی و متقن‌تر می‌نماید البته بینش رواج یافته سکولار و انسان‌مدار نمی‌تواند این ایده را قبول نماید و به همین خاطر شاهد طرح آموزه‌ها و رویکردهای انتقادی بسیار نسبت به آن هستیم.

اثر حاضر از آن حیث که مبادی عقلی و نقلی رویکرد توحیدی را بیان می‌نماید، در خور توجه بوده و امید می‌رود در تحلیل و گره‌گشایی از این بحث مهم حقوقی و سیاسی مؤثر باشد. ناشر ضمن تشکر از دبیر علمی مجموعه و تمامی اساتید و پژوهشگران همکار، آمادگی خود را جهت دریافت و نشر سایر آثار تکمیلی اعلام می‌دارد.

معاونت پژوهشی

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

مقدمه

قانون و قانون‌گذاری همواره از دغدغه‌های ضروری و در عین حال پرمخاطره بشر بوده است. از یک سو قانون به مثابه تحفه الهی از طریق تکوین و طبیعت یا تشریح و نبوت الهام بخش مسیر زندگی فردی و جمعی بشر در طول تاریخ بوده است و از سوی دیگر رشد و رونق روابط اجتماعی انسانها در کلان شهرهای مدرن همواره او را در برابر این پرسش قرار می‌دهد که آیا هنوز هم می‌توان گفت که اطاعت از قانون اطاعت رسیدن توامان به آزادی و عدالت است؟

دل مشغولی انسان عصر روشنگری غرب دست یافتن به آزادی بود. نعمتی که مدت‌ها به بهانه قانون کلیسا از او سلب شده بود. مبارزه انقلابیون فرانسه نیز چیزی جز رسیدن به حقوق از مسیر آزادی نبود. اما به مرور آزادی به عنوان نمره سالها مبارزه در ترازوی توازن اجتماعی عرصه را بر بسیاری از حقوق تنگ نمود. امنیت و پس از آن عدالت بود که شهروند قرون اخیر را سراسیمه کرده است تا با ولع تمام از خود بپرسد که آیا اساسا سیر تحولات نظام بین الملل کنونی، در راستای تاسیس یک جامعه قانون‌مدار و عدالت محور است؟ به دیگر سخن، چگونه و تا چه میزان می‌توان از نظم آهنین معاصر انتظار تضمین امنیت و اجرای عدالت و در نتیجه تنظیم قواعدی در راستای تحقق سعادت بشری داشت؟

این پرسش، خواسته یا ناخواسته ما را بسوی دو دیدگاه متفاوت راهنمایی خواهد کرد. در دیدگاهی خوشبینانه می‌توان انتظار تحقق چنین آرمانی را هر چند در آینده‌ای دور ممکن دانست. نگاه غایت‌گرا برای هستی از چنین بینشی حمایت می‌کند و بر این

باور است که در نهایت با واسطه یا بی واسطه، بشر هم توانایی ایجاد این عدالت را در حال حاضر دارد و هم غایتی جز اجرای آن را در آینده ندارد. متالیهین مسلمان و مسیحی قرن‌ها با استناد به کتب مقدس خویش این آرمان را نزدیک و دست‌یافتنی جلوه داده‌اند چراکه آنرا جزئی از برنامه الهی در راستای تکامل بشری میدانسته‌اند. ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) فیلسوف فرانسوی قرن ۱۸ میلادی و پدر انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، معتقد به چنین توانایی در انسانهاست. در این نگاه انسانها با کنار نهادن برخی آزادی‌ها برای زیستن، در شرایط صلح و امنیت باید گردهم آیند تا هر کسی قادر باشد به حقوق انسانی و مدنی خویش دسترسی داشته باشد. این گذار از وضعیتی ناعادلانه (وضع طبیعی) بسوی وضعیتی عادلانه (جامعه مدنی) تنها در سایه تفاهمی بین انسانها قابل دستیابی است که از آن به *قرارداد اجتماعی* یاد می‌شود. در جهت بنای این ساختار عدالت محور لازم است تا حکومتی برخاسته از *اراده جمعی* زمینه تامین منافع همگانی را همراه با آزادی فراهم سازد. در این *حاطاعت* از قانون و حکومت اکثریت، خود عین آزادی است. اما گذشته از انتقاداتی که به این دیدگاه در امکان منتهی شدن حکومت به نوعی دیکتاتوری اکثریت وارد است، پرسش اصلی ما در اینجا امکان توسعه آن از مسیر قانون در حد یک جامعه مدنی جهانی است که ضامن عدالت و عامل ایجاد امنیت هم باشد.

برخی منتقدان چون مارکسیست‌ها و آنارشئیست‌ها معتقدند، هر چند بتوان با روش مناسب تقنین، به خوشبینی در آینده عادلانه جهان دست یافت، با اینحال این نه خواسته اکثریت و نه حتی اراده همه مردم است که معیار قانون و ملاحظ عدالت قرار می‌گیرد. چون دولت هم در این میان با فرض و جبر قواعدی بیشتر خود دشمن آزادی می‌گردد. در این راستا آنچه ما را به مقصود اولیه این بحث نزدیکتر خواهد کرد نگاه *توماس هابز* (۱۶۷۹-۱۵۸۸) فیلسوف انگلیسی قرن ۱۷ میلادی است. هابز قبل از روسو به جمع بندی در رابطه با *قرارداد اجتماعی* و جامعه مدنی رسیده بود، اما معتقد نیست که به آسانی می‌توان این *قرارداد* را جهانی کرد. اگر دغدغه روسو آزادی، منطق او انقلابی و ساختار فکری او احیای آزادی اولیه و نیک بشر بوده، هابز بر خلاف او با بدبینی به انسان و جهان، با رد جامعه باز از منطقی محافظه کارانه حمایت می‌کند که حداکثر انتظار در آن *ایجاد امنیت* است و نه رسیدن به *آزادی*. در هر دو صورت این قانون و قانون‌گذاری در

جامعه است که به دو نتیجه متفاوت منتهی می‌گردد. بر این اساس مادامی‌که در جهان قانونی مورد توافق همه دول و ملل در جهت تامین امنیت همگان و حمایت از ضعیفان بوجود نیامده، آنچه در جهان حاکم است وضع طبیعی ما قبل جامعه مدنی و آنچه جهانیان فاقد آند عدالت فراگیر است. حتی با وجود قانون مطلوب و مورد قبول همگان هم تا مادامی‌که مجری مورد قبول همگان و متصدی تضمین آن وجود نداشته باشد هر قدرتی به هر کشوری حمله می‌کند و مقررات، معاهدات و قوانین حقوق بین‌الملل، عمومی و خصوصی نیز جز کاغذ پاره‌های بی‌ارزشی بیش نیستند. در این وضعیت هر دولت‌مطلتی تنها برای بقای حیات خود می‌جنگد. و پیروزی از آن قدرت‌های تنومندی است که به تعبیر متسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹) صاحب روح‌الشمسین، همچون خرمگسان درشت اندام تارهای عنکبوتی قوانین را می‌درند و تنها حشرات ضعیف جثه‌اند که در بند قوانین می‌مانند. نتیجه آنکه باید پرسید چگونه تقنین و قانونی می‌تواند جامعه عادلانه (و در مفهوم ارسطویی متعادل و متوازن) در تامین حقوق شهروندان را فراهم آورد؟

از منظر مکتب حقوق طبیعی همواره اصولی بنیادین در روابط انسانی وجود دارند که مبتنی بر جوهره‌ای اصیل در درون آدمیان هستند. این جوهره درونی از آن‌روی که مشترک میان همگان است از یک سو و از سوی دیگر به این دلیل که موافق با ساختار طبیعی جهان آدمیان می‌باشد، در هر مکان و هر زمانی کارآمد خواهد بود. در حقیقت این عناصر اصیل‌اند که قانون نامیده می‌شوند و هر وضعی از قوانین مدنی در جامعه شهری بشری نیز اگر بدینها وفادار ماند آسیب نبیند و در تعارض با سایر حقوق قرار نگیرد. تعالیم ادیان توحیدی بر این جوهره انسانی به عنوان مبنایی مشترک میان انسانها صحه گذارده‌اند هر چند هریک بدان نامی مستقل داده‌اند. در این میان دین اسلام بیش از سایر ادیان بر تطابق تعالیم خویش با قوانین طبیعت جهان و طبیعت درون انسان تاکید دارد. همین امر باعث گردیده تا نزاعی که در اندیشه عموم متفکران مسیحی پیرامون دوگانگی نظام تقنین الهی و انسانی وجود دارد در اسلام نمود چندانی نداشته باشد.

مجموعه‌ای که در پیش روی شما خواننده عزیز قرار گرفته است با تمرکز بر مساله فوق، به سراغ آراء متفکران شیعی معاصر رفته است تا با بازخوانی نظر آنان در حوزه قانون و قانون‌گذاری به فلسفه وجود قوانینی وضعی در کنار احکام و قوانین شرعی

بپردازد. در این مسیر سعی شده تا با تمرکز بر انقلاب اسلامی ایران و دوره جمهوری اسلامی در ایران به عنوان عصر تعالی اندیشه حقوق عمومی اسلامی در کنار سایر ویژگی‌های آن، آراء اندیشمندان موثرتر در سیر قانون و قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا بسیار طبیعی است که همواره می‌توان از نظرات سایر بزرگانی از علمای معاصر شیعه نیز نام برده که در این مجموعه گنجانده نشده است، با این امید که در آینده امکان احصاء آراء همه آنان فراهم گردد. با این توضیح، مجموعه حاضر در هشت فصل تدارک دیده شده است. فصل اول اختصاص به تحلیل اندیشه امام خمینی در این حوزه دارد. به اعتقاد نگارندگان این مقاله برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی نیاز به دستورات و قوانین الهی است و دین اسلام مجموعه این قوانین و دستورات می‌باشد پس از آن‌رو که این دین آخرین دین الهی و شایسته‌ترین قانون برای رساندن انسان به سر منزل نهایی می‌باشد لذا باید اصول و قوانین و قانون‌گذاری از نظر اسلام مورد بررسی قرار گیرد تا راهنمایی برای وضع مقررات و اداره جامعه اسلامی در زمان عدم دسترسی به معصوم علیه السلام باشد. در نتیجه امام خمینی رحمه الله علیه قانون‌گذاری را به حکم عقل و طیفه خدا می‌داند و معتقد است هیچ‌کس چنین وظیفه‌ای در این باره به غیر از خدا ندارد ایشان معتقد است در اسلام یک قانون حکومت می‌کند و آن قانون الهی است. بر این اساس حضرت امام مجلس را مجلس برنامه‌ریزی می‌داند نه مجلس قانون‌گذاری. بنابراین برای بررسی نظر ایشان در مورد قانون‌گذاری در این مقاله صرفاً اجتهاد و نقش آن در روند قانون‌گذاری، مجلس و شورای نگهبان و نقش و جایگاه آن‌ها در زمینه قانون‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته است.

نگارنده مقاله دوم در ضمن اشاره‌ای بر این باور است که اگرچه مقاله در یک موضوع جدید و شاید بی سابقه نگاشته شده ولی وی بعد از مطالعه‌ی بسیار و طراحی چارچوب‌های طرح بحث می‌تواند ادعا کند به منشوری از اصول عملیاتی قانون‌گذاری دست یافته که نه تنها کمتر به آن در غالب یک نظام توجه شده است بلکه حتی در عمل به برخی از رئوس آن هم، خبط‌هایی بزرگ صورت گرفته است و البته در بادی امر به نظر می‌رسد عدم درک صحیح و یا بی‌اطلاعی از این اصول بوسیله‌ی دستگاه‌تقنین و قانون‌گذاری علت عمده باشد. با این توضیح در مقاله که به بررسی آراء آیت الله خامنه‌ای

اختصاص یافته می‌خوانیم که قانون‌گذاری به مفهوم قواعد آمره و لازم‌الاجرا در سطح زندگی اجتماعی-سیاسی، در هر نظام فکری، مبانی و احکام خاصی دارد و در چارچوب اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، هم به عنوان یکی از مهمترین فقها و علمای دینی و هم به عنوان ولی امر و امامت امت، بنیان‌های معینی را به خود اختصاص داده است: اسلام‌گرایی، ولایت محوری، عدالت مداری، دشمن ستیزی، صیانت از نظام جمهوری اسلامی، رعایت قانون اساسی و... از مبانی خدشه ناپذیر نظام فکری آیت الله خامنه‌ای در باب قانون‌گذاری ذکر شده که نگارنده سعی کرده به تبیین اجمالی این نظام فکری بپردازد.

بررسی اندیشه‌های شهید بزرگ عرصه سیاست و قضاوت در جمهوری اسلامی ایران آیت الله دکتر بهشتی در زمینه قانون و قانون‌گذاری موضوع مقاله سوم می‌باشد. در واکاوی از این آراء این اندیشمند می‌توان دریافت که از نظر وی قانون‌گذاری در اسلام یک نظام است - نه مجموع چند مسأله - که بر پایه جهان بینی اسلام دربارہ انسان و جامعه استوار می‌گردد: رشد اختیاری انسان؛ اصالت فرد و جامعه؛ حاکمیت عدل در جامعه اسلامی و... قانون‌گذاری در اسلام بر مبنای وحی و با محاسبه و تنظیم عقل و استفاده از علم صورت می‌گیرد و در این راه باید اصول مکتبی مرتبط را رعایت کرد: حفظ آزادی انسان؛ محوریت عدالت؛ رشد هماهنگ مادی و معنوی؛ نگاه نظام مند به مکتب؛ آهنگ تربیت در قانون و... در حوزه اجتماعی که اصالتاً قانون برای همین حوزه است تعدد قانون معنایی ندارد و صرفاً یک رای نافذ است: رأی حاکمیت عادل صالح اسلامی.

در فصل چهارم آراء آیت الله جوادی آملی مورد بررسی قرار گرفته است. آثار غنی ایشان در این زمینه محقق را بر آن داشته تا احصایی عظیم و فراتر از یک مقاله معمول فراهم نماید. در این راستا برای بررسی قانون‌گذاری بشری ابتدا در گفتار اول نظر اندیشمندان غربی در مورد بشری بودن منشاء حق و قانون‌گذاری بیان شده است. سپس در گفتار دوم به نقد این نظر پرداخته می‌شود و دلایل رد آن ذکر می‌گردد. در گفتار سوم نیز بیان می‌گردد که اگر قانون‌گذاری الهی پذیرفته نشود و بشر مطلق العنان بجای خدا تعیین کند چه ثمراتی خواهد داشت. در هر صورت به اعتقاد آیت الله جوادی، حاکم اسلامی موظف به استخراج قوانین الهی و تبیین و تبلیغ و اجرای آنهاست. البته از آنجا

که اجرای این قوانین در جهان حرکت و تحول و تکثر، موجب وجود آمدن تزاخم آنها با یکدیگر می‌گردد، بنابراین حاکم مشروع وظیفه دارد: اولاً با آگاهی از شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی با رجوع به نظرات مردم بهترین روش را برای اجرای آنها برگزینند و ثانیاً در موارد تزاخم با علم به مصالح واقعی و در نظر گرفتن قاعده عقلی ترجیح اهم بر مهم، قانون اهم را اجرا و قانون مهم را موقتاً تا رفع آن محذور تعطیل نماید.

شهید بزرگوار محمد باقر صدر همانند سایر علمای راستین عالم تشیع حق قانون‌گذاری را اصالتاً از آن خدا دانسته و اضافه می‌نماید که این حق از جانب خدا به حکومت اسلامی اعطا گشته است. همچنین ایشان حکومت اسلامی را عبارت از حاکمیت امت همراه با نظارت و سرپرستی فقیه مرجع می‌نامد. سپس با بیان این موضوع که خداوند باری تعالی قوانین برخی از حوزه های زندگی بشری را خود وضع فرموده و وظیفه ی حکومت اسلامی تنها کشف و بیان این احکام و قوانین است. اضافه می‌نماید که البته در بسیاری از محدوده های زندگی اجتماعی هیچ قانون و یا حکمی از جانب خدا وضع نگشته است و این حکومت اسلامی است که می‌بایست بر طبق مصلحت امت و مقتضیات زمان، قوانین و احکام مناسب را در این حوزه ها وضع نماید. در نهایت وی با تفکیک وظایف امت و مرجع در حکومت اسلامی، قانون‌گذاری در محدوده‌ی آزادی نظر قانونی و یا همان منطقه‌الفراغ و اجرای قانون را وظیفه ی امت دانسته که با رأی خود آن را اعمال می‌نمایند؛ و وظیفه ی بیان احکام و قوانین ثابت شرعی و نظارت بر حسن وضع قوانین متحرک و اجرای آن ها را با فقیه مرجع می‌داند.

فصل ششم مقاله در واقع ترجمه نامه‌ای است که شهید سید محمد باقر صدر در پاسخ به درخواست تعدادی از علمای لبنان و در توضیح و تبیین اندیشه فقهی خود نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاشته است. ایشان ابتدا در نامه خود با ذکر توصیفات انقلاب اسلامی به نقش رهبری تحت عنوان «مرجعیت رشیده» تأکید می‌کنند و در ادامه اندیشه های بنیادین در پیش نویس قانون اساسی را توضیح می‌دهند. سپس روش‌های اعمال حاکمیت از سوی مردم و همچنین شرایط و ویژگی‌های شخصی که مسؤولیت مرجعیت را قبول می‌کند را ذکر می‌کنند. در پایان شهید صدر تعدادی از اهداف

جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را بیان می‌کنند و نظریه کوتاه فقهی خود در این نامه را تنها به عنوان پیشنهادی که قابل بررسی و اجراست معرفی می‌نمایند.

بحث از قانون و قانون‌گذار از مباحثی است که در فصل هفتم از منظر آیت الله مصباح به آن نظر شده است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه مساله قانون‌گذاری در میان مباحث مربوط به حقوق اساسی از جایگاه مهم و والایی برخوردار است. اینکه قانون‌گذاری حق کیست و اصولاً چه کسی می‌تواند قانون وضع نماید و آیا در جامعه امروزی می‌توان معتقد بود که خدا قانون‌گذار است و اگر چنین است جایگاه مجلس قانون‌گذاری کجاست و مشابه این سئوالات را می‌توان در این مورد مطرح نمود. پاسخ این سئوالات در آراء و دیدگاه‌های اندیشمندان معاصر آیت الله مصباح یزدی جستجو شده و پس از ذکر مختصری از زندگی نامه و نگاهی به آثار ایشان در این زمینه، به بررسی ضرورت قانون و حق قانون‌گذاری از دیدگاه استاد پرداخته و سپس مبانی قانون‌گذاری اسلامی از نگاه وی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. قلمرو دین و قوانین اسلامی و روش پیاده شدن آنها در جامعه امروز نیز در آخر، بررسی شده است.

در فصل هشتم سعی شده است تا از میان نوشته‌های در دسترس استاد شهید مرتضی مطهری اندیشه‌های حقوقی آن شهید استخراج گردد. در ابتدا از پیش فرض‌هایی که در امر قانون‌گذاری در نظام حقوقی اسلام وجود دارد سخن به میان آمده است. از نگاه استاد، انسان برای تکامل ارزش‌های انسانی که خداوند در او به ودیعه نهاده، خلق شده و در زندگی اجتماعی خود نیز باید در پی تحقق این هدف باشد. پس از بحث درباره حق حاکمیت، ایشان حق قانون‌گذاری را نیز مختص خداوند دانسته و حیطة تعیین انسان را در امور بسیار محدودی می‌داند. سپس از مبانی قانون‌گذاری در اسلام بحث گردیده و از اصولی مانند عدالت، آزادی، تلازم حق و تکلیف و حسن و قبح عقلی نام برده شده است. در انتها نیز از روش کلی قانون‌گذاری در عصر غیبت معصومان که از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود، گفتگو شده است. نکته مهم آن است که به زعم نگارنده، به عللی از جمله شهادت زود هنگام ایشان، نمی‌توان نظام اجرایی چندین روشنی که به عنوان روش پیاده‌سازی حکومتی مدنظر قرار گیرد، از نوشته‌های ایشان استخراج نمود.

و در نهایت در پاسخ به پرسش فلسفی نخستین این درآمد، مقاله آخر با رویکردی خارج از محور اصلی مقاله به نزاع قانون، عدالت و آزادی در مباحث فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق غربی پرداخته است. قرارگرفتن این مقاله در انتهای مباحث آراء علمای شیعه این امکان را به خواننده می‌دهد تا رویکرد تطبیقی را در مباحث این کتاب تعقیب کند. به هر حال به نظر نگارنده این مقاله قانون‌ابزاری است برای تحقق عدالت که همواره با تعاریف مختلفی که از سوی مکاتب فکری مختلف ارائه می‌شده، دستخوش تغییرات فراوانی بوده است. نگرش‌های گوناگونی که در بستر جامعه شکل می‌گیرد و آرمان‌های عدالت خواهانه مهمترین عوامل تأثیر گذار بر قانون هستند. قانون تضمین‌کننده‌ی آزادی‌ها و حقوق افراد جامعه است که در بسیاری موارد بستر ترجیح بی‌عدالتی بوده است ولو آنکه به نام عدالت سخن گفته شده است. سوال این است که آیا عدالت در بیکره اجتماع (ونه در حوزه فردی) بدون قاعده و قانون می‌تواند قوام و دوام یابد یا نه. از سوی دیگر قانونی که سر عدالت و سودای عدالت‌جویی ندارد شایسته نام «قانون» است یا «زنجیره»؟

در پایان لازم می‌دانم تا از همکاری صمیمانه مجموعه همکاران محقق به ویژه دکتر رضا اکبری رئیس محترم مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) و دانشجویان عزیز دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی این دانشگاه که با تحقیق، طرح پرسشها و نکته‌سنجی‌های خویش زمینه آفرینش این کتاب را فراهم کرده‌اند، سپاسگزارم. به تعبیر آن دوست همکارم اگر نام حقیر در ذیل اوراق این دفتر ثبت است نباید به مثابه رستم واقعی نوشتار آن تلقی کرد، چراکه فردوسی کس دیگر است و هم اوست که شاهنامه را می‌نگارد و به خلق شخصیت و تعریف و ترسیم در آن می‌پردازد. عمده تلاش را پژوهشگران کوشایی متحمل شده‌اند که با فراست لازم به تفحص در این حوزه پرداخته و به ارائه اثر پرداخته‌اند. به آن امید که با تذکرات مشفقانه خوانندگان زمینه تعالی و انتشار اندیشه‌های متفکران معاصر ایران زمین بیشتر و بهتر فراهم گردد.

محمد جواد جاوید

دانشگاه تهران

مهرماه ۱۳۸۶